



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

نگاهی روان شناختی

دینی به مراسم

عزاداری حسینی

محمد کاویانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نگاهی روان شناختی - دینی به مراسم عزاداری حسینی

نویسنده:

محمد کاویانی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی روان شناختی - دینی به مراسم عزاداری حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۷	مقدمه
۸	عزاداری چیست
۱۳	مراسم عزاداری یک گروه اجتماعی
۱۶	هیجان های روانی ناشی از عزاداری
۳۳	مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی
۳۸	آسیب شناسی مراسم عزاداری
۴۰	پاورقی
۵۲	درباره مرکز

نگاهی روان شناختی - دینی به مراسم عزاداری حسینی

محمد کاویانی

### پیشگفتار

تحولات پرشتاب فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات، در دهه های اخیر، هر روز، پرسش های تازه ای را فراروی جوامع قرار داده است. برخی از این پرسش ها از روی کنجکاوی و بعضی نیز با اهداف و انگیزه های تغییر در باورهای اعتقادی، مطرح می شود که بی تردید، پاسخ به آنها ضرورتی است که امروزه اهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است. از جمله ی این پرسش ها، شبهه هایی است که درباره ی سنت و مراسم پسندیده ی عزاداری، در جامعه ی ما مطرح می شود. برخی با تمسک به آیات قرآنی (از جمله، آیه ی ۱۵۶ سوره ی بقره) مدعی شده اند که نه تنها دلیلی از متن دین، برای عزاداری وجود ندارد، بلکه برگزاری این مراسم، مخالف قضا و قدر الهی بوده، جامعه را از شادی و نشاط دور می سازد و موجب گسترش افسردگی در آن می شود. نوشته ی حاضر، با بهره گیری از دانش روان شناسی، به تجزیه و تحلیل واقع گرایانه از عزاداری می پردازد تا شبهه ی یاد شده را از دیدگاه این دانش، ارزیابی کند؛ هم چنین درصدد اثبات این فرضیه است که نه تنها عزاداری، مخالف با قرآن و تعالیم دینی نیست، بلکه مطابق سنت و سیره ی معصومان علیهم السلام است و از دیدگاه روان شناسانه، یکی از هنجارهای بسیار مناسب یک جامعه ی مطلوب انسانی است. در پایان، توضیح این نکته ضروری است که با توجه به فرصت کم و بی سابقه بودن این موضوع، در پژوهش های قرآنی و نیز تأکید بر شناخت دقیق و بهتر چگونگی تأثیر مثبت عزاداری دینی، بر جوامع انسانی، ناچار محقق محترم، پژوهش را از مقدمات بعید آغاز کرده، در موارد مناسب، از استناد به آیات قرآنی غافل نمانده است

که می توان آن را آغاز خوبی برای ورود به مباحث قرآنی تلقی کرد، اگرچه لازم است متخصصان فن، به مطالعات گسترده تری در این باره پردازند. به هر حال، با توجه به اهمیت مسئله و نیز ضرورت گشودن فصل های نو و تازه در پژوهش های قرآنی، به این اندازه از طرح بحث اکتفا می شود تا در آینده ای نزدیک، بستر گسترش تحقیقات دامنه دار، به وسیله ی محققان و قرآن پژوهان کشور فراهم شود. مرکز فرهنگ و معارف قرآن

## مقدمه

مدت ها است در نظر داشته ام که تحلیلی روان شناختی [۱] از مراسم مذهبی [۲] شیعه بنویسم؛ اما اکنون از یک سو، مناسبت نام گذاری سال جاری، به نام مبارک امام حسین علیه السلام و از سوی دیگر، فرصت ناکافی برای آن تفصیل، تشویقی شد تا در حد یک مقاله، درباره ی عزاداری و عزت و افتخار حسینی، مطالبی را بنویسم. تحلیل روان شناختی، مشتمل است بر توصیف [۳]، تبیین [۴]، پیش بینی [۵] و تغییر و اصلاح [۶]؛ آن هم در سه بعد شناختی [۷]، عاطفی [۸]، و رفتاری [۹]. اگر بررسی های چهارگانه در ابعاد سه گانه ضرب شود، گستره ی کار معلوم می شود و اگر این بررسی ها، بخواهد درباره ی همه ی مراسم مذهبی شیعه (اعم از فردی یا جمعی مقطعی یا همیشگی، شادی یا سوگواری و...) انجام شود، معلوم است که چه اندازه فرصت و تلاش می طلبد. بر این اساس، تحلیل روان شناختی را به «نگاهی روانشناختی» و مراسم مذهبی شیعه را به «مراسم عزاداری حسینی علیه السلام»، تغییر دادم تا عذر تقصیری باشد نزد آنان که بیش از این را می طلبند. در این مختصر، نخست، توضیحی درباره ی «عزاداری و سوگ [۱۰] واقعی» و «مراسم عزاداری» [۱۱]، و تفاوت

آن دو با هم ارائه شود. پس از آن از دیدگاه یک روان‌شناس اجتماعی [۱۲]، آن مراسم را یک گروه اجتماعی [۱۳]، تلقی کرده، به آثار و پیامدهای آن می‌نگریم و سپس به هیجان‌های روانی ناشی از عزاداری، مانند غم و اندوه [۱۴]، افسردگی [۱۵]، شادی [۱۶]، عزت نفس [۱۷] و... خواهیم پرداخت. سرانجام، از دیدگاه متون دینی، به بررسی این مراسم خواهیم پرداخت (البته مناسب‌تر این است که از باب تیمن و تبرک و اولویت تشریفی، بحث را با متون دینی، به ویژه قرآن آغاز کنیم؛ اما از آن جا که اولاً، مفاهیم عزاداری و سوگ، مفاهیم شرعی و قرآنی نیستند، بلکه بیش‌تر، فرهنگی و اجتماعی اند و ثانیاً، شبهه‌ها و اشکالهایی که متوجه آنها شده است، با زبان علمی و اجتماعی است، نه قرآنی، از این رو، ترجیح داده شد که با آن مباحث، آغاز شود). پس از مباحث دینی، نگاهی بسیار مختصر نیز به آسیب‌شناسی مراسم عزاداری خواهیم کرد.

## عزاداری چیست

عزاداری در عرف عام، به دو معنا به کار می‌رود: الف) داغ دیدگی و عزاداری شخصی و بالفعل (مراسم عزاداری که به صورت سنتی، برای بزرگان دینی و دیگران برگزار می‌شود. این دو معنا، از دیدگاه روان‌شناسی، کاملاً متفاوتند. داغ دیدگی واقعی، امری است غیر اختیاری. افراد داغدار از مدار زندگی عادی خارج می‌شوند و باید به تدریج به زندگی عادی برگردند؛ امام مراسم عزاداری، کاملاً اختیاری و برنامه‌ریزی شده است و بخشی از برنامه‌های زندگی عادی افراد محسوب می‌شود. داغ داری حالتی روانی و درونی است؛ ولی مراسم عزاداری، معمولاً به صورت اجتماعی صورت می‌گیرد. برای عادی شدن زندگی فرد داغ‌دار، عواملی به کمک می‌آیند، که



از جمله ی آنها مراسم عزاداری است. داغ دیدگی ممکن است به صورت ناگهانی و بدون آمادگی باشد؛ مانند این که عزیزی را در تصادف اتومبیل از دست بدهند و ممکن است با پیش بینی و آمادگی قبلی باشد؛ مانند این که عزیزی پس از یک دوره ی سخت بیماری، از دنیا برود. در هر دو صورت، داغ دیدگی صدق می کند؛ اما آن که ناگهانی است، سخت تر است. داغ دیدگی: [۱۸] فقدان های مختلف، بارهای داغ دیدگی های متفاوتی دارند. [۱۹] مرگ همسر، از پر فشارترین وقایع زندگی است، هم برای زنان و هم برای مردان. برنل [۲۰] و برنل (۱۹۸۹)، بر اساس مصاحبه هایشان با بیش از صد خانواده ی داغ دیده، راهنمایی های زیر را به فرد داغ دیده ارائه کردند. ۱. حداقل تا شش ماه از گرفتن تصمیمات ناگهانی، پس از فقدان، خودداری کنند. (مانند خرید و فروش خانه و وسایل آن، تغییر شغل و ازدواج مجدد). ۲. فرد داغ دیده باید اطمینان داشته باشد که تجربه ی فقدان، مراحلی دارد و طی خواهد شد. ۳. در حالت های خیلی شدید روحی، در روزهای نخستین، استفاده از آرام بخش های ضعیف، هنگام خواب اشکال ندارد. ۴. توسط یک مشاور، در یک فضای هم دلانه، فرایند مرگ، برای داغ دیده، بیان شود. ۵. در مواردی که لازم است، از مددکار اجتماعی استفاده شود؛ مانند مردی که همسر خود را از دست داده است و فرزند خردسال دارد. فقدان والدین و فرزندان: این نیز از سوگ های شدید است، به ویژه برای مادران. پدر زودتر به زندگی عادی برمی گردد؛ اما مادر چه بسا از پدر متعجب می شود که چه زود، رفتار او عادی شده است. در این موقعیت، پدر باید بسیار به وضعیت مادر توجه و او را حمایت کند. در سوگ فرزند، نکته ی

مهم این است که روابط والدین، خدشه دار و ناسالم نشود. والدین سعی کنند یک دیگر را درک و حمایت کنند، فهم و تبیین خوبی از مرگ داشته باشند، فلسفه‌ی منسجمی از زندگی داشته باشند و از اعتقادات ایمانی خود بهره بگیرند. متخصصان داغ دیدگی می‌گویند: فرد، با فقدان والدین، گذشته را، و با فقدان همسر، حال را و با فقدان فرزند، آینده را از دست می‌دهند (برنل و برنل، ۱۹۸۹). در هر صورت، فرد داغ دیده، فشارهای بسیاری را تحمل می‌کند. لایندمن [۲۱] (۱۹۴۴) در مطالعات روان پزشکی خود، ۱۰۱ فرد داغ دیده را مورد مطالعه قرار داد. او واکنش‌هایی، مانند گریستن [۲۲]، اضطراب [۲۳]، بی‌قراری [۲۴]، بی‌خوابی [۲۵] و بی‌اشتهایی [۲۶] را گزارش کرد. کوبلر راس (۱۹۸۱) [۲۷] می‌گوید: همه به عزا و فقدان، واکنش نشان می‌دهند؛ اما هر کس به شیوه‌ی خاص خود. در مجموع، آثار داغ دیدگی را در سه بعد فیزیکی [۲۸]، روان‌شناختی [۲۹] و جامعه‌شناختی [۳۰] می‌توان بررسی کرد. در بعد فیزیکی، اثراتی مانند بیماری‌های جسمانی، تشدید علائم بیماری‌های قبلی، ایجاد شکایات جدید و افزایش مراجعه به پزشک، در خور توجه است. در مطالعه‌ای که هلسینگ (۱۹۸۲) و برنل و برنل (۱۹۸۹)، در دو گروه مردان همسر از دست داده، انجام دادند، نتیجه گرفتند که مرگ و میر در والدین داغ دار، ۳۴/۳ درصد بیش‌تر از والدین دیگر بود. برنل و برنل (۱۹۸۹)، اثراتی مانند احساس گرفتگی شانه‌ها، ضعف ماهیچه‌ها، گرفتگی گلو (بغض)، خشکی دهان، فقدان انرژی، تنگی نفس و آه کشیدن را مشاهده کردند. آثار روان‌شناختی، به متغیرهای بسیاری ارتباط دارد؛ مانند سن، جنس، سلامت جسمانی قبلی، سازگاری قبلی، متغیرهای شخصیتی فرد، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نوع رابطه‌ی

داغ دیده و متوفا، چگونگی فوت، سابقه ی متوفا و سابقه ی داغ دار در اموری مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و... پاکز (۱۹۸۳) در مطالعه ای به دست آورد که اگر افراد داغ دیده، گرفتار مشکلات شدید روان پزشکی شوند، در سال اول خواهند شد، نه بعد از آن؛ اما در هر صورت، افراد، کم و بیش گرفتار ناباوری، گیجی، دل مشغولی با افکاری درباره ی متوفا، توهمات بینایی، شنوایی و... انکار، غم، افسردگی، احساس گناه، خشم و اضطراب می شوند. آثار اجتماعی داغ دیدگی، بویژه در بین زنان بیوه، بسیار است. رفت و آمدها تغییر می کند، نگاه ها عوض می شود، اموری مانند فقدان شغل، تعارضات خانوادگی و بازنشستگی نیز، در این جهت ایفای نقش می کنند. فرد داغ دیده، در یک مرگ طبیعی، چهار مرحله را طی می کند: ۱. پذیرش واقعیت فقدان: [۳۱] گاهی فرد داغ دیده، آن چنان ضربه ی روحی می بیند که فقدان را انکار می کند و می گوید او نمرده است. گاهی افراد گرفتار فراموشی می شوند. وردن (۱۹۸۲) نقل می کند که فردی در دوازده سالگی، پدرش را از دست داد و برای سالیان متمادی، همه چیز را درباره ی پدرش فراموش کرد، حتی صورت پدرش را نیز به خاطر نمی آورد. ۲. تجربه ی دردناکی فقدان: [۳۲] این تجربه، جزئی از فرایند عزا است و بدون آن، فرایند عزا، به گونه ی سالم طی نمی شود. در این مرحله، جامعه نقش مهمی بر عهده دارد. بالبی (۱۹۸۰) [۳۳] می گوید: اگر کسی از این مرحله امتناع کند، دیری نمی پاید که غالباً به درجاتی از افسردگی دچار می شود. ۳. سازگاری با شرایط جدید: این مرحله هم، به ویژه برای زنان بیوه مشکل است. مدت ها طول می کشد که دریابند چگونه زندگی کنند و چگونه جای خالی نقش های متوفا را پر

کنند. ۴. سرمایه گذاری در ارتباطات جدید: باید انرژی عاطفی فرد داغ دیده، بر ارتباطات جدید متمرکز شود. به اصطلاح عامیانه، باید از فرد متوفا دل بکند و به زنده ها دل بسپارد. برای عده ای، این امر، بسیار سخت است. گروهی می پندارند که این، بی اعتنایی به متوفا است. بعضی از افراد می پندارند که اگر مثلاً دوباره ازدواج کنند، فرزندانشان دچار تعارض خواهند شد. برای ایجاد رابطه ی جدید، در سطح ازدواج مجدد، حدود یک تا دو سال وقت لازم است. مراسم عزاداری: عزاداری در متون اسلامی، یک اصطلاح شرعی نیست، بلکه مسلمانان آن را به کار برده اند. لذا از این رو، باید در فرهنگ لغات، به دنبال کاربردهای آن گشت. عزا به معنای شکیبایی در ماتم و به معنای سوگ و مصیبت آمده است. [۳۴] «عزی» از باب تفعیل به کار رفته است. «تعزیه الرجل» یعنی تسلی دادن و توصیه به صبر کردن. «عزی بعضهم بعضاً»، یعنی یکدیگر را توصیه به صبر کردند. «احسن الله عزاک»، یعنی خداوند به تو صبر و نیکی عطا کند. [۳۵]. همان گونه که از معنای لغوی به دست می آید، عزاداری، در اصل برای تسلی دادن به داغ دیده است. برای آرامش بخشی به داغ دیده از عوامل متعددی می توان سود جست؛ از جمله: ۱. هنجارهای اجتماعی و هم دردی ها. ۲. هم سان سازی با بزرگان دینی و تاریخی مورد علاقه ی مردم. ۳. تفکر منطقی بر این نکته که لاجرم باید به زندگی عادی باز گردیم و نمی توان زندگی را تعطیل کرد. ۴. گریه کردن و برون ریزی عاطفی. ۵. ذکر کردن غم و غصه ها با دیگران (راه دیگری از برون ریزی). ۶. خواندن اشعار غمناک و معنادار. ۷. اعتقاد به معاد و یادآوری آن. نکته ی در خور توجه، این است که همه ی عوامل

هفت گانه، در ضمن مراسم عزاداری و با کمک دیگران، برای فرد داغ دیده حاصل می شود. در قالب دید و بازدیده‌ها، اظهار هم دردی‌ها، شرکت در مراسم و ادای احترام به متوفا و بازماندگان، مداحی کردن از بزرگان دینی و ذکر مصایب آنان، خواندن قرآن و آیات مناسب و تسلی بخش، ایراد سخنرانی‌های مناسب با موقعیت و شرایط و ارائه‌ی شناخت لازم برای داغ دیده و دیگر مخاطبان، همه و همه، در ضمن مراسم عزاداری به دست می آید. جالب تر این که بسیاری از اینها، اختصاص به مراسم جمعی دارد و در تنهایی و نشست‌های خانوادگی حاصل نمی شود. در جوامع مختلف، شیوه‌های نسبتاً مشابهی برای این مراسم وجود داشته و دارد. مراسم عزاداری و ختم در سه روز اول، هفتم، چهلم و گاه سالگرد (در جامعه‌ی ما)، به سازگاری داغ دیده با شرایط جدید کمک می کند. با گرفتن مراسم سالگرد، به بازماندگان کمک می شود که ضمن گرامی داشت یاد متوفا، که آن را به خاطرات عزیز و تکرارنشده‌ی تبدیل کنند. به طور کلی، دو عامل «فراموشی» و «گذشت زمان»، از جمله‌ی عوامل سازگاری هستند. در دیگر ادیان نیز چنین هنجارها و مراسمی وجود دارد؛ مانند مراسم یادآوری از مصلوب شدن حضرت عیسی، در دین مسیحیت. در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام نیز «خون سیاوش» و «مرگ سهراب»، اگرچه به نوعی افسانه می ماند، ولی در کاهش غم و غصه‌های داغ داران، ایفای نقش می کرده است. تیشه بر سر زدن فرهاد، بیابان گردی مجنون، ناکامی ذلیخا، صبر یعقوب در غم فرزندش یوسف، بردار رفتن حلاج و... همه و همه، عناصری نمادین از غم و اندوه برای درک این معنا و کنار آمدن با غم است.

## مراسم عزاداری یک گروه اجتماعی

انسان موجودی است

اجتماعی و بخش بزرگی از زندگی خود را در گروه‌ها می‌گذارند. گروه‌های خانواده، مدرسه، هم‌بازی‌ها، هم‌سالان، هم‌کاران، گروه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و... از گروه‌هایی هستند که معمولاً بخش درخور توجهی از زندگی خود را با آنها می‌گذرانیم. گروه‌های مذهبی نیز در همین ردیفند و می‌توان آنها را به عنوان یک گروه، بررسی کرد. گروه، متشکل از دو یا چند نفر است که با هم تعامل دارند، در اهدافی مشترکند، روابط پایداری با هم دارند، به گونه‌ای به هم وابسته‌اند و خود را عضوی از گروه تلقی می‌کنند (بارون [۳۶] و بایرون (۱۹۹۷) [۳۷]). گروه، با این تعریف و ویژگی‌هایی که بیان شد، کارکردهای روان‌شناختی [۳۸] متعددی دارد. بعضی از آن کارکردها عبارتند از: ۱. بخشی از نیاز روانی ما به تعلق داشتن [۳۹] را برآورده می‌سازد. ۲. با راحتی بیش‌تری به اهداف مشترک می‌رسیم. ۳. دانش و اطلاعاتی به دست می‌آوریم که در بیرون گروه، برایمان ممکن نیست. ۴. در برابر دشمن مشترک، احساس امنیت [۴۰] بیشتری ایجاد می‌شود. ۵. باعث استحکام و تثبیت هویت اجتماعی [۴۱] ما می‌شود. ۶. در ایجاد و تغییر احساسات و عواطف، باعث تسهیل اجتماعی [۴۲] ما می‌شود. ۷. ویژگی جمعی بودن بعضی برنامه‌ها، باعث استمرار آنها می‌شود. ۸. به اعتماد نفس [۴۳] بیشتر فرد کمک می‌کند. ۹. به افراد، به ویژه کودکان، در فرایند اجتماعی شدن [۴۴] کمک می‌کند. ۱۰. فواید جانبی اش آن، مانند مشاوره، دوست‌یابی، شغل‌یابی، قرض‌الحسنه و دید و بازدیدها به هنگام بیماری و مشکلات، نیز از طریق گروه‌های مذهبی حاصل می‌شود. ۱۱. هنجارهای گروه [۴۵] (خوب یا بد)، معمولاً مورد پذیرش همه‌ی اعضای قرار می‌گیرد (افراد به علت اهمیتی که برای گروه قائلند، از اختلاف‌های

کوچک می گذرند و گاهی در واقع، تغییر نگرش [۴۶] می دهند. ۱۲. این گروه ها می توانند آغاز و مبانی باشند برای شروع و شکل دهی کارهای تشکیلاتی آشکار و مخفی و انجام دادن کارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و گاهی نظامی. انواع مختلفی از شبکه های ارتباطی [۴۷]، خطی [۴۸]، حلقوی [۴۹]، چرخشی [۵۰] و... ممکن است از طریق گروه های اجتماعی شکل بگیرد. [۵۱] یکی از نمونه های این حرکت، اقدامات سید جمال الدین اسد آبادی بود. او از مراسم ساده ی مذهبی شروع کرد و سرانجام، تشکیلاتی را شکل داد که حکومت مصر ناچار به اخراج ایشان از آن کشور شد. همه ی کارکردهایی که ای گروه های اجتماعی بیان شد، در گروه های مذهبی نیز وجود دارد. مراسم عزاداری، یک گروه به تمام معنا است و بر روان شناسان اجتماعی است که به تفصیل، آن را بررسی کنند. بسیاری از هدایت های فرزندان خردسال و نوجوان، در قالب همین گروه ها شکل می گیرد. کسی که عضو این هیأت ها می شود، تا آخر عمر، خاطرات هیأت و بچه های هیأت را با خود دارد، نگرش هایش تحت تأثیر آن روابط است، احساسات و عواطف او جهت می گیرد و همان گونه باقی می ماند. درباره ی گروه های مذهبی و مراسم عزاداری، سخن بسیار است؛ ولی برای اجتناب از تفصیل، به توضیح آن نمی پردازیم. اما بسیاری از آن کارکردها را در قالب یک حدیث، در سخنان امام علی علیه السلام می خوانیم: [۵۲] آن حضرت می فرماید: هرگاه کسی به مسجد رفت و آمد کند، یکی از بهره های هشت گانه را نصیب خود خواهد کرد. ۱. یافتن برادر دینی و دوستی که در مسیر الهی با او همراه باشد. ۲. علمی جدید بر علوم او اضافه خواهد شد. ۳. نشانه ای از نشانه ها و

آیات محکم الهی بر او روشن خواهد شد. ۴. رحمت مورد انتظارش را از خدا دریافت خواهد کرد. ۵. سخنی را می شنود که موجب هدایت او به راه راست خواهد شد. ۷. گناهی را از خوف الهی ترک می کند. ۸. حجب و حیای او پیش دیگران، او را از گناه باز خواهد داشت.

## هیجان های روانی ناشی از عزاداری

بیش ترین و مهم ترین تأثیری که مراسم عزاداری بر شرکت کنندگان دارد، تأثیرات روانی [۵۳] است و بیش تر شرکت گان نیز در پی همین نوع تأثیرات هستند. احساس لذتی خاص به آنان دست می دهد، آرامشی می یابند که در کم تر مجلسی و گروهی از نوع دیگر، حاصل می شود. چهره ی افراد عزادار، در مجالس عزاداری، غم بار می شود، گریه می کنند یا حالت گریه به خود می گیرند، اما این غم، از نوعی دیگر و متفاوت با غم و غصه های زندگی روزمره است. غم معنویت است، غم آخرت است، غم مظلومیت مظلومان است، غمی است که منشأ حرکت است و کنش وری اجتماعی [۵۴] افراد را افزایش می دهد، نه کاهش، عاملی نابه هنجار [۵۵] در زندگی افراد نمی شود، بلکه در مواردی نقش درمانی [۵۶] ایفا می کند و برای زندگی نشاط می آفریند. بدیهی است کسانی که خود به صورت مستمر یا مقطعی، در زمان های خاصی از سال، در این گروه ها و مراسم شرکت می کنند و بیش تر مردم مذهبی (شیعه)، با این مراسم موافق هستند و آن را می پسندند و از آن استقبال می کنند. افرادی نیز هستند که با عزاداری مخالفند و برای این مخالفت، استدلال هایی نیز دارند. در این جا بعضی از دلیل های آن را می آوریم: ۱. ما دلیلی از متن دین، برای عزاداری نداریم و این، نوعی بدعت محسوب می شود. ۲. بر فرض این که دلایلی کلی و عام بر جواز



عزاداری داشته باشیم، اما چه لزومی دارد که برای کسانی عزاداری کنیم که قرن ها پیش شهید شده، به مقام والایی رسیده اند؟ ۳. عزاداری کردن، مخالفت با قضا و قدر الهی است. ما باید بپذیریم و تسلیم باشیم. [۵۷]. ۴. گاهی در عزاداری ها، کارهای خلاف شرع و غیر اخلاقی رخ می دهد؛ مانند اصرار به نفس، یقه پاره کردن، صورت ها را خونی کردن، پریشان کردن مو و بلند گریه کردن، که در برخی از روایات، از آنها منع شده است. ۵. عزاداری و ازدیاد این مراسم در طول سال، به مناسبت های مختلف، باعث شده است که جامعه از شادی ها به دور باشد و بیش تر احساس غمگینی کند و در نتیجه، باعث افزایش افسردگی در جامعه بشود. این اشکال، گاهی از زبان و قلم بعضی از صاحب نظران روان شناسی، در کلاس های درس و در مقالات نیز مطرح شده است. ما با بررسی مختصری که درباره ی بعضی هیجان های روانی، مانند اندوه و گریه، شادی و خنده، افسردگی و عزت نفس و تأثیر مراسم عزاداری بر روی آنها، انجام می دهیم، در باب اشکالات روان شناختی مطرح شده است، اظهار نظر خواهیم کرد درباره ی مورد اشکال های دینی مطرح شده، موضع می گیریم. مراسم عزاداری و گریه: گریه یک ظاهر دارد و یک باطن: ظاهر آن، امری فیزیولوژیک [۵۸] است، باید تأثیرات روانی [۵۹]، از طریق محرک های بیرونی [۶۰] یا درونی [۶۱] مانند تفکر، شکل بگیرد. سپس این تأثیرات، وارد چرخه فیزیولوژی مغز و اعصاب بشود، بخش خاصی از مغز فعال شده، غدد اشکی چشم را فرمان فعالیت بدهد و در نهایت، قطرات اشک جریان یابند، که ما آن را گریه می نامیم. این مطلب که بعضی اشک فراوان دارند و

بعضی غدد اشکی کم اشک و خشک دارند، گویای مطلبی قطعی درباره ی باطن گریه نیست؛ یعنی ممکن است دو نفر از نظر تأثیرات روانی، به شدت متأثر شوند، اما یک نفر، اشک فراوان بریزد و دیگری اشک کم تر. البته اگر در موردی، از سلامت فیزیولوژیک و پراشک بودن چشم کسی، اطمینان داشته باشیم و او در موقعیتی خاص، گریه نکند، می توان نتیجه گرفت که او تأثیر روانی پیدا نکرده است. خلاصه، در شرایط به هنگام و سلامت فرد، گریه سوپاپ تأثیرات درونی است و به حسب تنوع تأثیرات درونی، گریه هم متنوع می شود. از دیدگاه عرفا، زیباترین جلوه تزلزل، گریه است. علامه جعفری رحمه الله انواعی از گریه را بیان می کند. [۶۲]. باطن گریه، همان تأثیرات درونی است. نگاه روان شناختی و داوری ما درباره ی پیامدهای گریه نیز دایره مدار همان تأثیرات عاطفی است. اگر در روایات آمده است که گریه کردن و گریاندن و حالت گریه به خود گرفتن، در مراسم عزای حسینی، منشأ اثر دنیوی و اخروی است، به تأثیرات درونی نظر داد و الا- می شود به صورت مصنوعی و یا با مواد شیمیایی، چشمانی گریان داشت. ما در این جستار، باطن گریه را به چهار نوع تقسیم می کنیم، [۶۳] که فقط یک نوع آن، معطوف به خود و نیازهای سرکوب شده خود است و می توان با افسردگی، هم بستگی مثبت داشته باشد و کنش وری اجتماعی فرد را مختل کند؛ اما سه نوع دیگر، امیدبخش است و حرکت آفرین و رابطه ی معکوس با افسردگی دارد. نوع اول، ناشی از مرگ واقعی است؛ اما سه نوع دیگر، سوگ واقعی نیستند، اگر چه در مراسم سوگواری حاصل می شوند. الف) گریه ی ناشی

از علاقه ی طبیعی انسان به خود و متعلقات خود: این گریه، به هنگام غم و مصیبت و داغ دیدگی حاصل می شود، اختیاری نیست و معمولاً بی اراده، اشک جاری می شود. تأثیرات فرد، ناظر به گذشته است، مصیبتی رخ داده و اثراتی گذاشته است و اکنون به اصطلاح عامیانه، عقده ها گشوده می شود و اشک می ریزد. این گریه، به اصطلاح نظریه عمومی سیستم ها [۶۴]، مربوط به اکولوژی حفظ و نگهداری [۶۵] است و به اصطلاح روان شناسان و روان درمان گران [۶۶]، تخلیه ی روانی - هیجانی [۶۷] است. این گریه، به خود فرد و نیازهای سرکوفته [۶۸] شده او بر می گردد. اگرچه سه نوع دیگر گریه هم، در واقع، تخلیه هیجانی است، ولی به اکولوژی متعالی [۶۹] فرد مربوط است. انسان می خواهد در اوج کمال باشد، اما نیست. این را درک می کند و هیجانی می شود. می خواهد ستمی در بین نباشد، اما هست. آن را می بیند و متأثر می شود. این تأثر، مربوط به خودش ظلم نشده است، بلکه بر دیگران شده است. یا در نوع دیگری از گریه، انسان باید با یادآوری رحمت های الهی و برکات و نعماتی که در اختیار بشر قرار داده است، هیجانی می شود. این هیجان، از جنس غم و اندوه نیست، بلکه از جنس شوق و شادی است؛ اما گروهی باعث جریان اشک می شود. ب) گریه ای که ریشه در اعتقادات دارد: مانند آن چه در حال مناجات حاصل می شود. انسان خود را در محضر خدا می یابد و رفتار و کردار خود را ضبط شده می داند و خود را گناه کار و...؛ مثلاً دعای امام سجاد علیه السلام در وداع با ماه رمضان و یادآوری رحمت های خداوندی، از این نوع است. این نوع گریه،

ناظر به آینده و حال است و آن چه روی خواهد داد. این که امام سجاد علیه السلام می فرماید: «محبوب ترین قطره نزد خداوند متعال، قطره ی اشکی است که مخلصانه، در تاریکی شب و از ترس خدا ریخته شود»، [۷۰] ریشه در اعتقادات دارد و مربوط به ترس های دنیایی و زندگی روزمره نیست. بیش تر گریه ها در مناجات های امامان معصوم علیهم السلام از این نوع است. ج) گریه ای که از فضیلت طلبی و کمال خواهی ناشی می شود: مانند گریه ای که در فقدان معلم و مربی اخلاق و پیامبر و امام و... رخ می دهد. این گریه، از این روی است که ما در عمق وجودمان، کمال و رشد را تحسین می کنیم و از بودن آن کمالات، ذوق زده می شویم و از فقدان آنها ناراحت. گاهی در مراسم عزاداری، گریه هایی از این نوع نیز وجود دارد؛ مثلاً درباره ی شجاعت و وفاداری حضرت عباس علیه السلام به امام حسین علیه السلام، سخن گفته می شود و ما با شنیدن آن، اشک می ریزیم. پس از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ام ایمن گریه می کرد، خلیفه دوم از او پرسید: چرا گریه می کنی، مگر نه اینکه رسول خدا در پیشگاه خداوند است؟ ام ایمن پاسخ داد: گریه من به خاطر آن است که دست ما از اخبار آسمان و وحی کوتاه شده است. [۷۱]. د) گریه بر مظلوم: مانند گریه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، پیش از شهادت آنان و مانند گریه و عزاداری مسلمانان، در شهادت های ائمه دین، که به صورت مظلومانه شهید شدند و مانند گریه به هنگام روضه خوانی حضرت رقیه، و حضرت علی اکبر، حضرت فاطمه و دیگر مصایب اهل

بیت و. گاهی نوعی دیگر از گریه را نیز تحت عنوان «گریه ی سیاسی» نام می برند. امام خمینی رحمه الله می فرماید: زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسئله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده است، یک مسئله سیاسی است؛ [۷۲] امام در واقع، از دیدگاه روان شناسی، این گریه، نوعی مستقل نیست، بلکه به یکی از انواع مذکور بر می گردد و در اهداف سیاسی، جهت دهی می شود. این یکی از کاربردهای انواع گریه است. گریه در مراسم عزاداری، از هر کدام از انواع چهارگانه که باشد، کارکردهایی دارد: الف) در هر صورت، نوعی تخلیه ی هیجانی است و آرامشی را به دنبال دارد و باعث جلای قلب می شود. این نکته، بسیار مهم و ارزشمند است. ب) هیجان ها و تأثیرات روانی، در بعد شناختی [۷۳] اثر گذاشته، کنجکاوی و در نهایت، شناخت فرد، درباره ی موضوع مورد نظر را تقویت می کند. ج) با تقویت عواطف و شناخت ها، آمادگی رفتاری [۷۴] فرد، به تناسب آن شناخت ها و عواطف، بیش تر می شود و نگرش [۷۵] فرد به آن موضوع، تقویت می شود. د) باعث همانندسازی با افراد و موضوعات مورد علاقه می شود؛ مثلاً کسی که در شنیدن شجاعت حضرت عباس، اشکی می ریزد، ناخودآگاه، در شجاعت، درحد توان خود، با آن حضرت همانندسازی می کند و. ه) همه ی انواع گریه ها می تواند جهت گیری های سیاسی، فرهنگی، دینی و... داشته باشند و از آنها حسن استفاده یا سوء استفاده بشود (توسط خود فرد یا اداره کنندگان مجالس عزاداری). و) علاقه و محبت فرد به موضوع مورد نظر، افزایش می یابد. مراسم عزاداری و شادی [۷۶] جامعه: شادی چیست؟ چه عواملی باعث شادی جامعه می شوند؟ مراسم عزاداری مذهبی، چه رابطه ای با شادی افراد و جامعه دارد؟ برای

شادی، تعاریف مختلفی ارائه شده است. ارسطو معتقد است که دست کم سه نوع شادی وجود دارد: الف) حالتی که همراه با لذت حاصل می شود. ب) حالتی که به دنبال عملکرد خوب، برای فرد حاصل می شود. ج) حالتی که بر اثر زندگی متفکرانه حاصل می شود. از دیدگاه ارسطو، نوع اول، سطح نازل و زودگذر شادی است. نوع دوم، سطح متوسط و میان مدت شادی و نوع سوم، سطح عالی و دراز مدت شادی است. فیلسوفانی مانند جان لاک [۷۷] و جرمی بنتام، [۷۸] گفته اند که شادی به تعداد لذات زندگی بستگی دارد. این تعاریف، منطبق با تعریف توده مردم از شادی نیست. از دیدگاه مردم، شادی یعنی انبساط خاطر. یک فرد ممکن است یک روز صبح شاد باشد و بعد از ظهر غمگین، با شنیدن یک خبر، شاد شود و با خبری دیگر، غمگین. در بعضی از کتاب ها، انگیزش [۷۹] و هیجان [۸۰] نیز همین گونه تعریف شده است. [۸۱] بر این اساس، حتی اگر با مصرف دارو و هم، انبساط خاطری حاصل شود، نام آن شادی است. وقتی ما از شادی اجتماعی سخن می گوئیم، نه آن شادی سطح اعلا ی ارسطویی را در نظر داریم و نه شادی زودگذر و مبتدلی که حتی با مصرف دارو ممکن است حاصل شود. پس شادی مورد نظر چیست؟ امروزه از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، شادی برابر است با حاصل جمع رضایت و سطح لذت. [۸۲] این تعریف، با تصور توده ی مردم از شادی نیز منطبق است. بر اساس این تعریف، شادی هم با فعالیت یا موضوع لذت آفرین بالفعل مرتبط است، که با مؤلفه ی سطح لذت، آن را بیان کردیم و هم با وضعیت روانی فرد، که ناشی از تجربه ها، [۸۳]

انتظارات [۸۴] و آرزوها [۸۵] و... است، ارتباط مستقیم دارد، که آن را با مؤلفه ی رضایت بیان کردیم و هر دو مؤلفه، اموری غیر ثابت و غیر مطلق هستند. بدین ترتیب، دانسته می شود که برای بالا بردن سطح شادی در فرد و جامعه، باید به آن دو مؤلفه (سطح لذت و رضایت) توجه کرده، و آنها را تقویت کنیم و این دو مؤلفه، از مراسم عزاداری، اثر منفی نمی پذیرند. این گونه نیست که مراسم عزاداری، با سطح لذت و سطح رضایت افراد، هم بستگی منفی داشته باشند، بلکه شواهدی بر هم بستگی مثبت وجود دارد. قطعاً کسانی که با علاقه و انتخاب خود، به مراسم عزاداری می روند، از آن لذت می برند و احساس رضایت می کنند. کسانی که نگران آمار بالای افسردگان در جامعه هستند و جامعه را غمگین می یابند، از دیدگاه روان شناسی باید به دنبال فریضه های دیگری باشند، فرضیه هایی مانند پیامدهای جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، عدم توسعه ی علمی و فرهنگی و سیاسی و اخلاقی و... اگر جامعه غمگین است، باید به صورت علمی تلاش کرد و نتیجه گرفت و سخن گفت نه این که از روی حدس و گمان، فرضیه اثبات نشده ای را مطلبی علمی معرفی و با عناوین روان شناسی، در مطبوعات مطرح کرد، به ویژه آن گاه که به مقدسات مردم نیز مرتبط باشد. عده ای از روان شناسان، از جمله، روان شناس آمریکایی، مایکل فوردیس، [۸۶]، برنامه ای برای افزایش شادی تهیه کردند. به نظر فوردیس، بهترین راه این است که افراد، خود برای شاد بودن اقدام کنند. او یک برنامه چهارده عنصری تهیه و ارائه کرد که به اختصار در زیر می آید. ۱. خود را مشغول نگه دارید و فعال تر باشید. ۲. وقت

بیش تری را به روابط اجتماعی اختصاص دهید.۳. در کارهای با معنا شرکت کنید.۴. امور زندگی را به بهترین روش، طرح ریزی و سازمان دهی کنید.۵. حتی المقدور از نگرانی دست بردارید.۶. سطح انتظارات و آرزوهایتان را پایین بیاورید.۷. تفکر مثبت و خوش بینانه را در خود پیورانید.۸. در زمان حال زندگی کنید.۹. سعی کنید شخصیتی سالم داشته باشید.۱۰. برون گرا و اجتماعی باشید.۱۱. خودتان باشید.۱۲. احساسات منفی و مسائل منفی را بیرون ببرید.۱۳. با داشتن روابط نزدیک، خود را شاد کنید.۱۴. شادی را در درجه ی نخست اولویت قرار دهید.در یک بررسی، ۸۹٪ از شرکت کنندگان گفتند که این برنامه، به آنان کمک کرده است تا خلق غمگین خود را متوقف و با آن مقابله کنند یا آن را تأخیر اندازند. ۸۰٪ نشان دادند که این برنامه، سطح شادی شان را افزایش داده است، ۳۶٪ مدعی بودند که افزایش شادی آنها خیلی زیاد بوده است. [۸۷]. با توجه به این برنامه و دقت در کارکرد تک تک توصیه های آن، نیز می توان رابطه ی مراسم عزاداری و شادی را تشخیص داد. آیا در مراسم عزاداری، تعداد درخور توجهی از این توصیه ها اجرا نمی شود؟ افراد فعال تر نیستند؟ روابط اجتماعی شان بیش تر نمی شود؟ عزاداری کار بامعنایی نیست؟ سطح انتظارات و آرزوها را تعدیل نمی کند؟ تفکر خوش بینانه القا نمی کند؟ برون گرایی را رشد نمی دهد؟ با اطلاعات دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که به افراد می دهد، آنان را در زمان حال قرار نمی دهد. پاسخ همه این پرسش ها مثبت است و عزاداری در واقع، برای جامعه و افراد، شادی حقیقی می آفریند، نشاط و تحرک می آورد و... البته آسیب هایی نیز مراسم عزاداری را تهدید می کند که به آنها اشاره خواهیم کرد؛ اما آن آسیب ها از



لوازم این مراسم نیست، بلکه اموری عارضی که باید زدوده شود. گفتنی است که بروز و ظهور شادی، فقط در قالب کلمات نیست، بلکه رفتارهای غیر کلامی [۸۸]، مانند ابراز چهره ای [۸۹]، ژست، وضعیت بدنی [۹۰]، حرکات چشم و تن [۹۱]، صدا [۹۲]، نیز علایم بسیار خوبی برای شاد بودن یا نبودن هستند. گاهی امکان خلاف گویی از طریق زبان وجود دارد؛ اما رفتارهای غیر کلامی، معمولا این گونه نیستند. زیگموند فروید [۹۳] شخص نیرنگ باز را این گونه توصیف می کند: «اگر لب هایش خاموش باشد، با انگشتانش حرف می زند، همه اعضای بدنش او را لو می دهند.» [۹۴]. مراسم عزاداری و افسردگی: تعریف مراسم عزاداری را دانستیم. اکنون بینیم افسردگی چیست و چه رابطه ای بین این دو برقرار است؟ آیا این سخن که مراسم عزاداری، باعث افزایش افسردگی در جامعه شده است، وزنی علمی دارد یا نه؟ اختلالات افسردگی به سه دسته کلی تقسیم می شود. ۱. اختلال افسردگی عمده. [۹۵]. ۲. اختلال افسرده خویی. [۹۶]. ۳. اختلال های افسردگی موردی، که در آن دو نوع جای نگرفته اند. [۹۷]. اختلال افسردگی عمده، شدیدترین نوع افسردگی است. بعضی از نشانه های آن عبارتند از: الف) احساس غمگینی یا پوچی، در بیش تر یا تقریبا تمام روز. ب) کاهش قابل ملاحظه علاقه یا لذت از تقریبا همه ی فعالیت ها در بیش تر روز. ج) کاهش قابل ملاحظه وزن بدن، بدون پرهیز یا رژیم غذایی (یا افزایش قابل ملاحظه وزن در عرض یک ماه). د) بی خوابی یا خواب زدگی، تقریبا در همه ی روزه. بی قراری یا کندی روانی - حرکتی، تقریبا در همه ی روزه. ه) خستگی یا از دست دادن انرژی، تقریبا در همه ی روزه. ز) احساس بی ارزشی یا احساس گناه مفرط. ح) کاهش توانایی

فکری یا تمرکز یابی یا بی تصمیمی همه روزه.ط) افکار مکرر و عودکننده درباره ی مرگ.اختلال افسرده خوئی، نسبتا خفیف است و دارای نشانه های تشخیصی زیر است:الف) دو یا چند مورد نشانه های کم اشتهایی یا پراشتهایی، بی خوابی یا خواب زدگی، کمبود انرژی یا احساس خستگی، عزت نفس پایین، تمرکز ضعیف یا اشکال در تصمیم گیری و احساس درماندگی در فرد وجود داشته باشد.ب) این نشانه ها بیش تر روزها، به مدت دست کم دو سال گزارش شوند.ج) طی یک دوره دو ساله، شخص هرگز به مدت بیش از دو ماه، خالی از نشانه های بالا نباشد.د) در طی این دو سال، افسردگی عمده وجود نداشته باشد.ه) هرگز ملاک های اختلال ادواری خوئی وجود نداشته باشد.و) این نشانه ها ناشی از اثرات فیزیولوژیک (مانند مصرف نا صحیح دارو و...) نباشد.ز) این نشانه ها موجب اختلال در کارکرد اجتماعی، شغلی و... شوند.افسردگی نوع سوم، مربوط به مواردی خاص است؛ مانند:الف) اختلال ملال پیش از قاعدگی.ب) اختلال افسردگی جزئی.ج) اختلال افسردگی، پس از روان پریشی ناشی از اسکیزوفرنی و...از بین این سه نوع افسردگی، نوع اول و سوم، مورد نظر کسانی که می گویند:مراسم عزاداری باعث افسردگی جامعه شده است، نیست؛ زیرا نوع اول، بسیار شدید و واضح البطلان است. نه جامعه ی ایران، دچار افسردگی عمده است و نه مراسم عزاداری، با ویژگی هایی که شناختیم، می تواند باعث افسردگی عمده جامعه شود. نوع سوم هم مراد نیست؛ زیرا که مربوط به مواردی خاص است که بعضی را نام بردیم. پس افسرده خوئی مورد نظر است.اکنون ببینیم آیا مراسم عزاداری، نشانه های افسرده خوئی را ایجاد می کند و باعث افزایش افسردگی در جامعه می شود؟ برای روشن شدن این مطلب، لازم است به عوامل افسرده خوئی، از دیدگاه روان شناسی، توجه

کنیم. برای افسرده خویی، سه عامل مهم را بر شمرده اند: [۹۸] زیستی، [۹۹] ارثی [۱۰۰] و هیجانی و محیطی. [۱۰۱] عوامل زیستی، به وضعیت مغز و کارکرد قسمت های مختلف آن، ناقل های عصبی [۱۰۲] انتقال عصبی، [۱۰۳] سیناپس ها [۱۰۴] و... اشاره دارد. بسیاری از نشانه های افسردگی، جایگاه خاصی را در مغز به خود اختصاص داده اند. تا کنون بیش از سی ناقل عصبی شناخته شده است؛ اما سه ناقل نوراپی نفرین، [۱۰۵] سروتونین [۱۰۶] و دوپامین، [۱۰۷] باعث بعضی از نشانه های افسردگی می شوند. عامل ارثی، سال ها است که مورد توجه قرار گرفته است و افسردگی را یک بیماری خانوادگی دانسته اند. و امروزه ژن و توارث را عامل مهمی برای افسردگی می دانند و به دنبال شناسایی ژن آن نیز هستند. بعضی از مطالعات آماری، خانوادگی و ارثی بودن افسردگی را تقویت کرده است. عوامل محیطی و هیجانی، همواره و پیش از عوامل زیستی و ارثی، مورد توجه روان شناسان و پزشکان بوده است. آنان می دانستند که رویدادهای محیطی می توانند ذهن و احساسات ناشی از آن را تحت تأثیر قرار دهند. روابط با دیگران، تربیت خانوادگی، فقدان ها و بحران ها، همه می توانند بر ذهن مؤثر باشند. به این ترتیب، افسردگی نیز می تواند تحت تأثیر عوامل محیطی قرار بگیرد؛ اما این دیدگاه، به تدریج دقیق تر شد. اکنون پژوهش گران معتقدند: ۱. بعضی افراد، پس از رویدادهای استرس زای شدید، دچار افسردگی می شوند. ۲. نمونه های فراوانی نیز بوده است که بدون هیچ گونه استرس، دچار افسردگی شده اند. از این رو، بعضی پژوهش گران بر این باورند که تجربه های استرس زای محیطی، فقط غیر مستقیم و فقط در کسانی که آمادگی زیستی و وراثتی دارند، باعث افسردگی می شود و کسانی که آن زمینه ها

را ندارند، استرس ها باعث افسردگی نمی شود [۱۰۸]. بعضی از عوامل استرس زا، که زمینه های زیستی و ارثی را فعال می کنند، عبارتند از: از دست دادن شغل، قطع یک رابطه، مرگ یکی از بستگان، طلاق، ازدواج ناموفق و مشکل اقتصادی جدی. اکنون با آنچه گذشت، معلوم است که: الف) تنها عامل افسردگی، عوامل محیطی نیست. ب) عامل محیطی فقط در کسانی موثر است که زمینه های ارثی و زیستی دارند. ج) در بین عوامل محیطی، که استرس زایی شدید دارند، جایی برای مناسک و مراسم اسمی عزاداری پیدا نمی کنیم. آن عوامل، متعددند. سوگ و داغ واقعی می تواند یکی از عوامل باشد؛ اما مراسم عزاداری، هیچ سهمی در استرس زایی ندارد. د) با توجه به مباحثی که در روان شناسی اجتماعی و کارکرد گروه ها و ویژگی های گروه های مذهبی گفته می شود، می توان گفت که مراسم عزاداری کاملاً نقش استرس زایی دارد. مراسم عزاداری و عزت نفس: موضوع عزت نفس، هم از دیدگاه دینی، یک مفهوم محوری و مهم است و هم از دیدگاه روان شناسی، در گرایش هایی مانند رشد، بالینی، شخصیت و اجتماعی، به آن توجه فراوان شده است. عزت نفس یکی از مؤلفه های بهنجاری محسوب می شود (اتکینسون و هم کاران ۱۹۸۳). مراسم عزاداری را از هر دیدگاهی (دینی یا روان شناسی) که مطالعه کنیم، رابطه ی منفی با عزت نفس ندارد، بلکه زمینه های عزت نفس بیش تر را در افراد فراهم می آورد. ارزیابی ما از خود پنداری خویش، بر حسب ارزش کلی آن، عزت نفس نامیده می شود. به بیان دیگر می توان عزت نفس را میزان ارزشی که ما برای خود قائل هستیم، در نظر گرفت. مطالعات، حاکی از این است که آگاهی یا برداشت ما از خود، بیش تر ناشی از تجربه های اجتماعی ما است. ما خود

را آن گونه می بینیم که فکر می کنیم دیگران ما را می بینند. [۱۰۹] ایلین شیهان (۱۹۹۸) [۱۱۰] [۱۱۱]، می گوید: طی ملاقات هایی که در طول سالیان، با مراجعان مختلف داشته ام، افرادی را دیده ام که عزم خود را جزم کرده بودند که عزت نفس خود را بالا ببرند و از این رهگذر، آثار مثبت متعددی را نصیب خود کردند. بعضی از آن آثار، به ترتیب زیر است: ۱. پذیرش هرچه بیش تر خود و دیگران. ۲. آگاهی بیش تر از آن چه در زندگی می خواهیم. ۳. آرامش و آمادگی بیش تر برای مهار استرس. ۴. مثبت بودن و احساس شاد بودن. ۵. اشتیاق به داشتن مسئولیت بیش تر. ۶. توجه بهتر به دیگران. ۷. احساس راحتی در موقعیت های اجتماعی. ۸. احساس متعادل بودن. ۹. اتکا به خود و خلاقیت بیش تر. ۱۰. بهبود ظاهر و احساس سرزندگی. ۱۱. آمادگی بیشتر برای دریافت محبت و محبت کردن به دیگران. ۱۲. ملایم تر بودن با خود و توانایی دست زدن به خطرهای بیش تر. ۱۳. توانایی تریک گویی به دیگران، بدون حسادت. ۱۴. اطمینان داشتن به خود، در همه ی فعالیت ها. ۱۵. تبدیل کردن مشکلات، به مبارزه جویی ها. ۱۶. تمایل بیش تر برای در میان گذاشتن احساسات با دیگران. ۱۷. توانایی بیان صادقانه نارسایی ها در کارهای خود. ۱۸. اشتیاق، انگیزه و علاقه مندی بیشتر به زندگی. [۱۱۲]. کمبود عزت نفس در رفتار اجتماعی فرد نیز اثر منفی می گذارد.. گرنی [۱۱۳] (۱۹۸۸)، مطالعات بسیاری را در مدارس انجام داد. او فهرستی از رفتارهای اجتماعی متأثر از عزت نفس پایین را برشمرده است: ۱. کوچک تران را آزار می دهد. ۲. با هم سالانش پرخاش گراست. ۳. به غریبه ها اعتماد نمی کند. ۴. دیدگاه دیگران را درک نمی کند. ۵. به نظرات مراجع قدرت بسیار وابسته است. ۶. اطلاعات کمی از خود بروز می دهد. ۷. از نقش های رهبری اجتناب می کند. ۸. به ندرت داوطلب می شود. ۹. به

ندرت توسط هم سالانش انتخاب می شود. ۱۰. بیش تر کناره گیر و منزوی می شود. ۱۱. رفتارهای متناقض دارد. ۱۲. مطیع است و ابراز وجود نمی کند. ۱۳. به ندرت می خندد. ۱۴. توجهش به خودش است. ۱۵. هم سالانش را بی ارزش تلقی می کند. ۱۶. فعالیت هایش توسط دیگران تعیین می شود [۱۱۴]. در متون دینی، از این موضوع، با عناوین متعددی، مانند عزت نفس، [۱۱۵] کرامت نفس، [۱۱۶] مردانگی [۱۱۷] و آزادگی [۱۱۸] یاد شده است. از دیدگاه دین، مؤمن، عزت و احترام خاصی دارد؛ [۱۱۹] یعنی افزون بر عزت نفس، باید مؤمنان دیگر را نیز عزیز بداریم؛ مثلاً قرآن می فرماید: «اگر به نیازمند مؤمنی کمک مالی کردید، آن را با اذیت کردن و منت گذاشتن همراه نکنید و گرنه، اصلاً صدقه ندهید و اگر کلماتی خوب بر زبان جاری کنید، بهتر است...» و «ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن، باطل نکنید». [۱۲۰] در روایات متعددی نیز آمده است که حرمت نفس مؤمن، از حرمت مقدساتی چون کعبه نیز بیش تر است و تحقیر وی هرگز بخشودنی نیست. [۱۲۱]. درباره ی عزت نفس نیز در متون دینی، در دو سطح نگاه می شود: عزت نفس شخص و عزت نفس انسانی. در روان شناسی اگر از عزت نفس سخن به میان می آید، فقط به خود شخصی نظر دارد؛ یعنی توجه کردن و مهم شمردن استعدادهای نهفته در وجود فرد؛ اما در دین، باید افزون بر احیا کردن استعدادهای درونی، نفس انسانی را نیز عزیز داشت و در مقابل نفس حیوانی، آن را پرورش داد. [۱۲۲] باید حتی المقدور دست نیاز پیش دیگران دراز نکرد. [۱۲۳] بر اساس بسیاری از روایات، خداوند کارهای مؤمن را به خود وی واگذار کرده است،

ولی اجازه ذلت پذیری به او نداده است. [۱۲۴] این امر آن قدر مهم است که حتی انجام دادن واجبات الهی نیز عذری برای پذیرش منت و ذلت دیگران نیست. برای انجام دادن یک واجب الهی می توان از مال و حتی جان، مایه گذاشت؛ اما از آبروی مؤمن نمی شود. اگر کسی مؤمنی را دعوت کند که با هزینه او به حج برود و شائبه ای از منت گذاری در بین باشد، لازم نیست بپذیرد. حتی مبارزه با نفس، که به معنای صحیح خود، بسیار ضروری و لازم است، نباید موجب نادیده گرفتن عزت نفس شود. ممکن است کسی گمان کند که با تحقیر خود نزد دیگران، بهتر می تواند با نفس خویش مبارزه کند؛ اما اسلام این را اجازه نمی دهد. برخی از اهل تصوف، که کم تر با منابع غنی اسلام آشنایی داشته اند، گرفتار چنین خطایی شده اند. [۱۲۵] مؤمن نباید کاری کند که پس از آن، مجبور به معذرت خواهی بشود؛ چون این، نوعی ذلت پذیری است. [۱۲۶] نباید در مسافرت، با کسانی که فاصله ی اقتصادی بسیاری با او دارند، هم سفر شود؛ چون اگر ضعیف تر باشد، خودش اذیت می شود و اگر غنی تر باشد، موجب اذیت هم سفر خود می شود. [۱۲۷]. بین عزت نفس و رفتار اخلاقی مثبت، رابطه ی مستقیم وجود دارد. کسی که عزت نفس داشته باشد، کم تر گرفتار خطاهای اخلاقی می شود، بیش تر می توان از او انتظار داشت. [۱۲۸] بر عکس، کسی، که نفس خود را سبک بشمارد، نباید از او انتظاری داشت [۱۲۹] و نباید خود را از شر او ایمن بدانیم. [۱۳۰] هیچ کس برای دیگران تکبر نمی کند، مگر این که ذلتی را در خود احساس کرده است. [۱۳۱] کسی که نفاق می ورزد، ناشی

از ذلت درونی اش است [۱۳۲] و کسی که غیبت می کند، به علت عجز او است. [۱۳۳]. هم بستگی بین عزت نفس بالا- و فضایل اخلاقی را از راه یک قانون مسلم روان شناختی نیز می توان نتیجه گرفت و آن عبارت است از نظریه «هماهنگی شناختی» [۱۳۴] فستینگر. [۱۳۵] چکیده ی این نظریه، این است که اگر متوجه شویم که دو شناخت ما با یکدیگر یا شناخت و رفتار ما با یکدیگر، ناهماهنگ است، دچار ناراحتی می شویم و تلاش می کنیم که حتی المقدور، آن ناهماهنگی را بر طرف سازیم. طبیعی و آشکار است که در مراسم عزاداری حسینی علیه السلام اولاً، در محتوای آن، تبلیغ و ترویج دینی می شود که حسین علیه السلام پیرو آن بوده است و به جایگاه عزت نفس در این دین پی می بریم. ثانیاً، حرکت، سخنان و پیام های ایشان که در مراسم عزاداری از آنها یاد می شود، از ابتدا تا انتها، پر است از عزت نفس و تأکید بر آن. پیام «هیئات منا الذله» [۱۳۶] امام حسین علیه السلام و حرکت ایشان ضرب المثل شده است. در سراسر دنیا هر کس که نام حسین را بشنود یا بخواند، فوراً همراه آن، نام عاشورا و نهضت حسینی و ظلم ستیزی ایشان مطرح می شود. ثالثاً، روان شناسان برای رشد عزت نفس، عواملی را بر می شمردند. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) [۱۳۷] تحقیقات انجام شده درباره ی عزت نفس را بازخوانی کرد و به این نتیجه رسید که چهار عامل، اهمیت ویژه ای در رشد عزت نفس دارند: ۱. میزان پذیرشی که دیگران برای او قائلند. ۲. موفقیت های فرد و موقعیتی که برای او در جامعه قائلند. ۳. تفسیری که فرد از ارزش و آرزوهای خود داشته و دارد. ۴. روش یا روش هایی که



فرد، تفسیر خود را به اجرا درمی آورد. [۱۳۸]. با اندکی تأمل در این چهار عامل، متوجه می شویم که مراسم عزاداری، باعث رشد این عوامل و در نتیجه، رشد عزت نفس می شود. افراد، در مراسم عزاداری، به درستی و کامل، یکدیگر را می پذیرند. در این مراسم، عزاداران و برگزار کنندگان، به احترام حسین علیه السلام هر کس را که در این مراسم وارد شود (حتی اگر اشتها به بزه کاری هم داشته باشد) عزیز می شمارند و آن را مهمان امام علیه السلام می دانند. کسانی که اهل مراسم عزاداری حسینی هستند، در جامعه ی اسلامی، جایگاه خاصی دارند. مردم هیأتی ها و مسجدی ها را دوست دارند و آن را به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، یکی از معیارهای گزینش خود در امور مهم زندگی، مانند ازدواج و مشارکت مالی می دانند. تفسیری که فرد از ارزش ها و آرزوهای خود دارد، هم چنین شیوه ای که فرد، آن آرزوها و ارزش ها را عملی می کند، تحت تأثیر مستقیم شناخت ها و عواطف ناشی از مراسم عزاداری است.

### مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی

در قرآن، آیاتی که به طور صریح و مستقیم، بیان گر حکم عزاداری باشد، وجود ندارد؛ اما آن چه اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجام می شود، دست تأیید چند گروه از آیات را بالای سر خود دارد: الف) آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم، امر می کنند یا مجوز می دهند. [۱۳۹]. ب) آیاتی که تحکیم ولایت را هدف خود قرار داده اند. [۱۴۰]. ج) آیاتی بر مودت اهل بیت تأکید کرده اند. [۱۴۱]. د) آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضی از انبیا یا دیگر اولیای الهی داشته اند؛ مانند سوگواری حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف. [۱۴۲]. ه) آیاتی که بزرگ داشت شعائر الهی را تأکید می کنند. [۱۴۳]

آیات بسیاری نیز هستند که از طریق روایات معصومین علیهم السلام، به نوعی، با امام حسین علیه السلام مرتبط شده اند؛ اما از آن جا که در این باب نیستند، به آنها نمی پردازیم؛ مانند آیه ی مباحله، [۱۴۴] که آن حضرت علیه السلام یکی از مصادیق آن است، یا آیه ی نفس مطمئنه، [۱۴۵] که به امام حسین علیه السلام تفسیر شده است؛ یا آیه ای که خداوند از بندگانش، درباره ی خون ریزی و... پیمان می گیرد. [۱۴۶] در تفسیر برهان، ذیل این آیه ی آمده است: وقتی این آیه ی نازل شد، پیامبر فرمود: «یهود، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند. آیا به شما خبر بدهم به مشابه آنان از یهود این امت؟» گفتند: بله یا رسول الله! حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «قومی از امت من، که خود را از اهل ملت من می دانند، افاضل ذریه مرا می کشند، شریعت و سنت مرا عوض می کنند، فرزندانم حسن و حسین را می کشند، همان گونه که یهود، زکریا و یحیی را کشتند». [۱۴۷]. روایات بسیاری نیز داریم که دلالت بر جواز گریه و عزاداری می کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید: بانوان در مصیبت ها، نیاز به نوحه سرایی و شیون و زاری دارند و باید اشک هایشان جاری شود؛ اما نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند... [۱۴۸]. آن حضرت در جای دیگر می فرماید: گریه کنندگان پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه، بنت محمد و علی بن الحسین. گریه ی آدم به علت خطا و اخراج از بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف در دوری پدر و حضرت زهرا برای پدرش و امام سجاد علیه السلام نیز برای شهادت پدرش گریه می کردند. [۱۴۹]

امام صادق علیه السلام

به فرزندش سفارش می کند که برایش مجالس عزاداری برگزار کند. [۱۵۰] روایاتی از این نوع، بسیارند و مهم ترین اهدافشان، مبارزه با ستم بنی امیه و بنی عباس بوده است. [۱۵۱]. البته بعضی از روایات اهل سنت، با عزاداری مخالفت کرده اند؛ اما از روایات خود اهل سنت نیز پاسخ آنها داده شده است. پاسخ این است که این روایات، قابل جمع هستند و وجه جمع آنها این است که روایات مخالف، برای نفی بعضی از کارهای نادرست، که در عزاداری ها انجام داده می شود، آمده است؛ مانند داد و فریاد کردن، گریبان دریدن و سخن باطل گفتن؛ اما آنها که موافق هستند، نظر به اصل عزاداری دارند. [۱۵۲]. در سیره معصومین علیهم السلام و سیره ی مسلمانان نیز عزاداری، دارای سابقه بوده است. مسلمانان در جنگ احد، هفتاد شهید دادند. در مدینه، هر کس برای بستگان شهید خود گریه می کرد. چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه، پر از اشک شد و فرمود: «عمویم، حمزه گریه کننده ندارد». [۱۵۳] ابن مسعود می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در سوگ حمزه بسیار گریه کرد. جنازه حمزه را رو به قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه را بر شمرد. [۱۵۴] اسما، همسر جعفر بن ابی طالب، که از زنان باایمان و فداکار صدر اسلام بود، می گوید: جعفر در جنگ موته به شهادت رسید. بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم، ایشان فرمود: «ای اسما! فرزندان جعفر کجایند؟». آنان را پیش آن حضرت آوردم. آنان را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: «جعفر امروز به شهادت رسید». [۱۵۵]. پیامبر بارها و بارها

در سوگ یارانش، از جمله، در عیادت آخر و بیماری احتضار سعد بن عباد، رئیس قبیله خزرج، در کنار مزار دختر خود، در مدینه، در سوگ فرزندش، ابراهیم (با بیان این که قلب از شدت اندوه می سوزد؛ اما سخنی بر خلاف رضای حق نمی گویم)، در سوگ عثمان بن مظعون، در مدینه، در کنار مزار مادرشان، در ابواء (پس از گذشت سالیان دراز و مبعوث شدن آن حضرت به نبوت)، به هنگام یادآوری شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، حتی در هنگام ولادت امام حسین علیه السلام و در مکان های مختلف، مانند منزل های ام المومنین ام سلمه، ام المومنین زینب، ام المومنین عایشه و در خانه امام علی علیه السلام، گریه کردند. پس از پیامبر نیز، صحابه عزاداری می کردند. غیر از گریه مستمر حضرت زهراء علیهم السلام کسان دیگری، مانند بلال، قیس، ام ایمن، خلیفه اول و دوم نیز در سوگ پیامبر گریه کردند. [۱۵۶]. زنان بنی هاشم در شهادت امام حسن و امام حسین، عزاداری و گریه کردند. ام سلمه، در رؤیا، از شهادت امام حسین باخبر شد و پس از بیداری، به عزاداری پرداخت. زنان هاشمی را نیز به عزاداری برای امام حسین دعوت کرد. جابر بن عبدالله انصاری، پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز، پابرنه و اندوهگین، به سوی مزار امام حسین رفت و گریه فراوان کرد، انس بن مالک و زید بن ارقم، از یاران پیامبر، در سوگ امام حسین گریه کردند. مختار ثقفی در عزای امام حسین گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد. توابین با شعار «یا لثارات الحسین»، به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی، برای انتقام جمع شدند و بر مزار امام حسین

رفته، گریه و ناله کردند. مردم کوفه و شام و مدینه، پس از شهادت امام حسین عزاداری کردند. شعرا و سرایندگان عرب، اشعار فراوانی را در سوگ آن حضرت سروده اند. گفتنی است که بعضی از مواردی که از سیره ی معصومین و مسلمانان ذکر شد، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است، بلکه سوگ و داغ دیدگی واقعی بوده است؛ اما موارد متعددی هم بوده است که در سوگ واقعی نبوده است، بلکه مراسم عزاداری بوده، با هدف تبلیغی و سیاسی انجام می شده است. همه ی ائمه پس امام حسین علیه السلام، برای آن حضرت عزاداری کرده اند و مصیبت را تازه نگه داشته اند، به ویژه امام صادق مجلس بر پا می کرد و افراد جمع می شدند و ذکر مصیبت می شد و گریه می کردند. [۱۵۷]. پس از زمان ائمه علیهم السلام نیز شیعیان عزاداری امام حسین را بر پا می کردند؛ اما تا پیش از قرن چهارم، به صورت پنهان بود، همان گونه که جشن و سرور، در روز عید غدیر (هجدهم ذیحجه) نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد. معز الدوله دیلمی، از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری برای امام حسین تشویق می کرد. در سال های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم، مراسم عاشورا، مهم تلقی و اجرا می شد. در همین سال ها، فاطمیه و اسماعیلیه، مصر را به تصرف در آوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا در مصر نیز برگزار می شد. مراسم عزاداری، به دیگر کشورهای اسلامی، شمال آفریقا، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد. در ایران، از قرن اول و دوم، تعزیه رایج

بود؛ ولی بعدها گسترش بیش تر یافت. اکنون نیز نه تنها شیعیان، بلکه حتی بسیاری از غیر شیعیان و غیر مسلمانان، امام حسین و مراسم عزاداری حسینی را به خوبی می شناسند و برای آن احترام قائلند. امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران، مراسم عزاداری، به همان شیوه های مرسوم در ایران (سخنرانی، روضه خوانی، مداحی، سینه زنی، تشکیل دادن دسته های عزاداری و...) به زبان های مختلف دیگری، مانند انگلیسی، آلمانی، چینی، و ژاپنی نیز رواج یافته است. ملت های دیگر، حضور و اثر گذاری این مراسم، در پدیده های اجتماعی و سیاسی شیعیان را دیده اند. هر کس اندک تأملی کرده باشد، نقش امام حسین و عزاداری حسینی را در دفاع مقدس، به خوبی می شناسد. امام حسین در انحصار شیعیان نیست. گاندی، رهبر فقید هند، نهضت های بوسنی و هرزگوین، لبنان، فلسطین و... از امام حسین علیه السلام بهره گرفته اند. کسانی می توانند به خوبی مراسم عزاداری را درک کنند که اولاً، شناخت های لازم درباره ی آن داشته باشند و ثانیاً، در آن شرکت، آثار عاطفی آن را تجربه درونی کرده باشند برای شناخت این پدیده، علم حصولی و تحصیلی عقلی، لازم اما ناکافی است.

### **آسیب شناسی مراسم عزاداری**

اگر مراسم عزاداری، این اندازه اهمیت دارد، باید همانند یک گوهر گران بها از آن محافظت شود. فریادهای بعضی از علمای دینی، مانند شهید مطهری، که در سه جلد کتاب حماسی حسینی و تحریف های عاشورا گرد آمده است، ناظر به همین امر است. برای آسیب شناسی این مراسم، لازم است مطالعاتی مستقل و مفصل، با شیوه های مختلف پژوهشی، انجام شود؛ اما در این مختصر، فقط با یک نگاه نظری به این مراسم، بعضی از نکات آسیب شناسی را بیان می کنیم و از خداوند متعال می خواهیم که این آسیب ها، در

مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به حداقل برسد: الف) رقابت های شدیدی که گاهی بین گروه ها و هیأت های مذهبی ایجاد می شود. [۱۵۸]. ب) همراه شدن مراسم عزاداری، با خرافات و امور نادرستی از فرهنگ عمومی مردم. ج) اصالت یافتن بعضی از فواید جانبی و فرعی، که از طریق هر گروه اجتماعی، ممکن است حاصل شود؛ مانند دید و بازدید. د) فراهم آوردن آزار و اذیت هایی برای دیگران، مانند صدای بلند گو و بسته شدن خیابان ها، که اگر تکرار شود، ممکن است افرادی را منزجر کند. ه) استفاده از اشعار و موسیقی هایی که در شأن عزاداری حسینی نیست و گاهی ممکن است خلاف شرع باشد. (البته گفتنی است که مراسم آهنگین عزاداری و مولودی ها، که در جامعه ی ما رواج دارد، سهم به سزایی در ارضای نیاز به موسیقی، به ویژه در کودکان و نوجوانان دارد و چه بسا آنان را از جذب شدن به موسیقی های مبتذل باز می دارد.) و) غلبه کردن بعد عاطفی و غفلت از بعد شناخت دینی، در این مراسم. این آسیب بسیار جدی است و در درازمدت می تواند تخریب گر باشد. ز) ایجاد رابطه های مرید و مرادی [۱۵۹] بین افراد معمولی. گاهی ممکن است افرادی در لفافه و ناآشکار، به جای دعوت به دین، دعوت به خود کنند. ط) تکراری بودن محتوا و شیوه های جاری، مانند سخنرانی ها و اشعار. [۱۶۰]. ی) ساختن یا استفاده کردن از روضه و مطالبی که مستند نیست، اما تأثیر عاطفی ایجاد می کند. ک) انجام دادن بعضی رفتارها، مانند نواختن شیپور و اجرای آهنگ های مبتذل. [۱۶۱]. ل) آسیب رساندن به بدن، مانند قمه زنی، که مبنای دینی ندارد. [۱۶۲]. م) قرار گرفتن مجالس عزاداری در اختیار افراد کم سواد. [۱۶۳]. ن) خواندن بعضی

از اشعار غلوآمیز، که خلاف اعتقادات دینی است. [۱۶۴].

## پاورقی

.Psychological Analysis [۱]

.Religious Ceremonies [۲]

.Description [۳]

.Explanation . [۴]

.Prediction [۵]

.Modification [۶]

.Cognitive [۷]

.Affective [۸]

] .Behavioral [۹]

.Mourning [۱۰]

.Mourning Ceremonies [۱۱]

.Social Psychologist [۱۲]

.Social Group [۱۳]

.Grief [۱۴]

.Depression [۱۵]

.Happiness [۱۶]

.Self – esteem [۱۷]

.Beravement [۱۸]



[۱۹] زهره خسروی، روان درمانی داغ دیدگی.

.Bernel [۲۰]

.Lindman [۲۱]

.Te weep [۲۲]

.Anxiety [۲۳]

.Agitation [۲۴]

.Aleeplessness [۲۵]

.Loos Of Appetitc [۲۶]

.Ros [۲۷]

.Physical [۲۸]

.Psychological [۲۹]

.Socialogoical [۳۰]

.Accepting The Reality Of Loss [۳۱]

.Affliction Of Loss [۳۲]

.Boulby [۳۳]

[۳۴] فرهنگ عمید، واژه ی «عزا».

[۳۵] مصباح المنیر، ص ۵۰۴.

.Baron [۳۶]

.Byrne [۳۷]

.Psychological Function [۳۸]

.Belonging [٣٩]

.Security [٤٠]

.Social Identity [٤١]

.Social Facilitation [٤٢]

.Self Confidence [٤٣]

.Socialization [٤٤]

.Group Norms [٤٥]

.Attitude Change [٤٦]

.Communication Network [٤٧]

.Chain Network [٤٨]

.Circular Network [٤٩]

.Wheel Network [٥٠]

.Baron Byrne , Social Psychology [٥١]

[٥٢] عن امير المؤمنين عليه السلام، انه كان يقول: «من اختلف الى المسجد اصاب احدى اثمان، اخا مستفادا في الله، او علما مستطرفا او آيه محكمه او رحمه منتظره، او كلمه ترده عن الردى او يسمع كلمه تدله على هدى، او يترك ذنبا خشيه او حياء». (بحار الانوار، ج ٨٣، ص ٣٥١، باب ٨، روايت ٤).

.Psychological [٥٣]

.Social Function [٥٤]

.Abnormal [٥٥]

.Therapeutic [٥٦]

[٥٧] (الذين اذا أصابهم مصيبه قالوا انا لله و انا اليه راجعون...) (بقره (٢) آيه ١٥٦).

.Psychologic [۵۸]

.Psychological [۵۹]

.External Stinulus [۶۰]

.Internal Stinulus [۶۱]

[۶۲] ر.ك: محمد تقى، جعفرى، تفسير و نقد و تحليل مثنوى، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۶۳.

[۶۳] ر.ك: حسين رجبى، پاسخ به شبهات عزادارى، ص ۲۰.

.General System Theory [۶۴]

.Maintenance Ecology [۶۵]

.Psychotherapist [۶۶]

.Catharsis [۶۷]

.Repressed [۶۸]

.Transcendental Ecology [۶۹]

[۷۰] بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۹، باب فضل البكاء.

[۷۱] دلائل النبوه، ج ۷، ص ۲۶۶.

[۷۲] صحيفه ى نور، ج ۱۳، ص ۱۵۴.

.Cognetive [۷۳]

.Behavioral [۷۴]

.Attitude [۷۵]

.Happiness [۷۶]

.John Locke [۷۷]

.Jeremy Bentham [٧٨]

.Motivation [٧٩]

.Emotion [٨٠]

[٨١] ذبيح الله فرجى، انگيزش و هيجان، ص ١٦٧.

[٨٢] آيزنك، مايكل،

روانشناسی شادی، ترجمه ی مهرداد فیروزبخت، ص ۱۹-۱۶.

.Experiences [۸۳]

.Expectations [۸۴]

.Wishes [۸۵]

.Miclel Fordice [۸۶]

[۸۷] همان، ص ۱۸۷-۱۸۹.

.Nonverbal [۸۸]

.Facial Assertion [۸۹]

.Posturing [۹۰]

.Eye - Movements [۹۱]

.Sonoity [۹۲]

.Freud [۹۳]

.Baron Byrne , Social Psychology [۹۴]

.Major Depression [۹۵]

.Dysthymia [۹۶]

[۹۷] انجمن روان شناسی آمریکا، چهارمین بازنگری از راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی (DSMIV) ص ۶۰۲-۵۶۴.

[۹۸] انجمن پزشکی آمریکا، ترجمه مهدی گنجی، ص ۸۸ - ۶۷.

] .Biological [۹۹]

.Heritable [۱۰۰]

.Emotional [۱۰۱]

.Neurotransmitter [۱۰۲]

.Transmission [۱۰۳]

.Synapse [۱۰۴]

.Norepinephrine [۱۰۵]

.Serotonine [۱۰۶]

.Dopamine [۱۰۷]

[۱۰۸] همان، ص ۹۶ - ۸۸.

.Atkinson R.L [۱۰۹]

[۱۱۰] ایلین شیهان، عزت نفس، ترجمه مهدی گنجی، ص ۱۰.

.Sheehen.Elan [۱۱۱]

[۱۱۲] همان ص ۲۰.

.Gurney [۱۱۳]

[۱۱۴] سید جلال صدرالسادات، عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، ص ۶۱.

[۱۱۵] (کزرع أخرج شطاء فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار...) (فتح (۴۸) آیه ی ۲۹).

[۱۱۶] (ان أکرامکم عند الله أتقاکم) (حجرات (۴۹) آیه ی ۱۲).

[۱۱۷] (انهم فتیہ آمنوا بربهم و زدناهم هدی) (کهف (۱۸) آیه ی ۱۳).

[۱۱۸] (الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون أحدا الا الله) (احزاب (۳۳) آیه ی ۳۹).

[۱۱۹] (... و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین) (منافقون (۶۳) آیه ی ۸).

[۱۲۰] (قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها أذی.. یا ایها الذین آمنوا لا تبطوا صدقاتکم بالمن و الأذی) (بقره (۲) آیه ی

[۱۲۱] بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱؛ ج ۶۸، ص ۱۶.

[۱۲۲] «أكرم نفسك عن كل دنيه و ان سافتك الى الرغائب...» (نهج البلاغه، نامه ی ۳۱).

[۱۲۳] (يحبسهم الجاهل أغنياء من التعفف) (بقره (۲) آیه ی ۲۷۳).

[۱۲۴] عن الحسين عليه السلام: «خير الغنى غنى النفس» (وسائل الشيعه، ج ۱۱، كتاب امر به معروف و نهى از منكر).

[۱۲۵] برای مطالعه بيش تر، ر.ك: مرتضى مطهرى، فلسفه ی اخلاق و فلسفه ی تعليم و تربيت در اسلام.

[۱۲۶] وسائل الشيعه،

ج ۱۱، ص ۴۲۵، باب ۱۳.

[۱۲۷] بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۹، ح ۱۹، ۱۸، ۱۱، ۱۰ و ۲۰.

[۱۲۸] «من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهوته» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۴۹).

[۱۲۹] من هانت علیه نفسه، فلا ترج خیره (شرح غرر و درر، ج ۱، ص ۳۹۴).

[۱۳۰] من هانت علیه نفسه، فلا تأمن من شره» (تحف العقول، ترجمه ی کمره ای، ص ۵۱۲).

[۱۳۱] بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۵.

[۱۳۲] نفاق المرء من ذل نفسه» (جمال خوانساری، شرح غرر و درر آمدی، ج ۶، ص ۱۸۱).

[۱۳۳] «الغیبه جهد العاجز» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۵۳).

[۱۳۴] Cognitive Dissonance.

[۱۳۵] Festinger.

[۱۳۶] «ألا ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السله و الذله، و هیهات منا الذله، یابی الله لنا حجور طابت و طهرت...».

[۱۳۷] Cooper smith.

[۱۳۸] عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، ص ۱۵.

[۱۳۹] مثل (لا- یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم) (نساء (۴) آیه ی ۱۴۸) و نیز شعراء (۲۶) آیه ی ۲۲۷؛ هود (۱۱) آیه ی ۱۱۳؛ حج (۲۲) آیه ی ۳۹.

[۱۴۰] مثل: (انما ولیکم الله و رسوله والذین...) (مائده (۵) آیه ی ۵۵) و نیز نساء (۴) آیه ی ۵۹؛ بقره (۲) آیه ی ۲۵۴.

[۱۴۱] (قل لا أسألكم علیه اجرا الا الموده فی القربی...) (شوری (۴۲) آیه ی ۲۳).

[۱۴۲] مثل (و قال یا أسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم) (یوسف (۱۲) آیه ی ۸۵-۸۴).

[۱۴۳] مثل (و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب) (حج (۲۲) آیه ی ۳۲).

[۱۴۴] (فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم) (آل عمران (۳) آیه ی ۶۱).



[۱۴۵] (یا أیتها النفس المطمئنه - ارجعی الی ربک راضیه مرضیه - فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) (فجر (۸۹) آیہ ی

[۱۴۶] (و اذ أخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم ولا تخرجون أنفسكم من دياركم...) بقره (۲) آیه ی ۸۴).

[۱۴۷] برای مطالعه ی بیش تر درباره ی این گونه آیات، ر.ک: الحسین علیه السلام، من خلال القرآن الکریم.

[۱۴۸] «انما تحتاج المرأه فی الماتم الی النوح لتیل دمعتهها و لا ینبغی ان قتول هجرا..» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۰، باب جواز الکسب النائمه الحق لا بالباطل).

[۱۴۹] وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۲.

[۱۵۰] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹، باب ثواب البکاء علی مصیبه الحسین علیه السلام.

[۱۵۱] حسین، رجبی، پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۸۷.

[۱۵۲] همان، ص ۹۰-۱۰۱.

[۱۵۳] سیره الحلویه، ج ۲، ص ۲۰۶.

[۱۵۴] همان، ص ۶۰.

[۱۵۵] ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۲۸۲.

[۱۵۶] پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۶۱-۵۰.

[۱۵۷] همان، ص ۱۲۰-۱۱۱.

[۱۵۸] در تعارض با آیاتی مانند: (تعاونوا علی البر و التقوی) (مائده (۵) آیه ی ۲) و آیات دیگر.

[۱۵۹] (قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله) (آل عمران (۳) آیه ی ۳۱) و آیاتی دیگر مانند: یوسف (۱۲) آیه ی ۱۰۸.

[۱۶۰] (لا یسمعون حسیسها و هم فیما اشتتهت أنفسهم خالدون) (انبیاء (۲۱) آیه ی ۱۰۲).

[۱۶۱] (و اجتنبوا قول الزور) (حج (۲۲) آیه ی ۳۰).

[۱۶۲] (و ما نهاکم عنه فانتهوا) (حشر (۵۹) آیه ی ۷).

[۱۶۳] (فاسألوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون) (انبیاء (۲۱) آیه ی ۷).

[۱۶۴] (واجتنوا قول الزور) حج (۲۲) آیه ی (۳۰).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

